

گفتمان کاوی انتقادی خاطرات سردار مریم بختیاری

سمیه عباسی^۱

سمیه خانی‌پور^۲

چکیده

خاطرات عصر قاجار که زمینه‌های شکل‌گیری و توسعه آن ارتباطی تنگاتنگ با ورود مظاهر مدرن به ایران دارد، با قلم و بیان مردان روایت‌گر آغاز و توسعه یافته است. در این آثار زنان به‌عنوان سوژه‌ای مستقل نقشی ندارند؛ اما کتاب سردار مریم بختیاری، به‌عنوان اولین زن خاطره‌نگار عصر قاجاری، در این میان اثری متفاوت است. مسئله اصلی و هدف نوشتار حاضر واکاوی متن خاطرات مریم بختیاری با تکیه بر روش گفتمان‌کاوی انتقادی فرکلاف، جهت رسیدن به چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی در این اثر است. لذا با استفاده از سه مبحث اصلی این نظریه در حیطه متن، پرکنیس‌گفتمانی و پرکنیس اجتماعی، می‌توان چنین تحلیل کرد که این اثر برخلاف گفتمان سنتی، بر نقش‌ها و وجود زنان در جامعه و لزوم اهمیت دادن به ایشان، تأکید دارد. همچنین دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کتاب خاطرات او پا را از حوزه گفتمان محصور در سنت فراتر نهاده و در همین راستا سردار مریم با ترکیب کنش‌های جنسیتی در قالب گفتاری با احساس زنانه، از متون میان‌گفتمانی خویش فراتر رفته و به خلق متنی متفاوت دست زده است که همانا محصول آن، برساخت اندیشه‌ای فراتر از عصر خویش است.

کلیدواژه‌ها: گفتمان‌کاوی انتقادی، خاطرات، خاطره‌نگاری، سردار مریم بختیاری، عصر قاجاری.

somayehabbasi179@yahoo.com

s.khanipour@rru.ac.ir

۱. دکتری ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، ایران

Critical Discourse Analysis of Sardar Maryam Bakhtiari's Memoirs

Somayeh Abbasi¹

Somayeh Khanipour²

Abstract

The memoirs of the Qajar era, whose formation and development are closely related to the arrival of modern manifestations in Iran, began and developed with the pen and expression of male narrators. In these works; women do not play a role as an independent subject. But Sardar Maryam Bakhtiari's book; as a first female memoirist of the Qajar era, is a different work. The main issue of this paper is the analysis of Maryam Bakhtiari's memoirs, based on Farklough's critical discourse analysis approach, in order to find out how generic roles are represented in this work. Therefore, by using the three main topics of this theory in text, discourse practice and social practice, it can be analyzed that this book, contrariwise the traditional discourse, emphasizes on the roles and being of women in the society and the necessity of according them importance. Also, other obtained results of the research show that her book has gone beyond the field of discourse confined in tradition, in this regard, through combining generic actions in the form of language with feminine feelings, Sardar Maryam has gone beyond her interdiscourse texts and created a different text. Which produced a construction of thought beyond her era.

Keywords: critical discourse analysis, Memories, memoir, Sardar Maryam Bakhtiari, Qajar era.

1. PhD in Islamic Iran, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author)
somayehabbasi179@yahoo.com

2. Assistant Professor of Vali Asr University (Aj), Rafsanjan, Iran s.khanipour@rru.ac.ir

۱. مقدمه

جنگ‌های ایران و روس که چشم و گوش برخی ایرانیان ترقی‌خواه را به دنیای جدید گشود، زمینه‌های نخستین اخذ دستاوردهای فکری و مادی تمدن جدید اروپایی در ایران را موجب شد. آشنایی با تاریخ‌نگاری نوین و انواع آن از دستاوردهای جدید فکری غرب بود که از اواسط عصر ناصری مورد توجه قرار گرفت. این آشنایی با شیوه‌های نوین و انتقاد بر سنت تاریخ‌نویسی کهن ایرانی، محصول تحول ذهنی و تحول در جهان‌بینی و افق فکر ایرانی در نسبت با باورها و عقاید سنتی و ریشه‌دار حاکم بر نظام فکری ایرانیان بود. شکل‌گیری خاطره‌نویسی و وقایع‌نگاری روزانه- با آگاهی و تکیه بر من فردی و هویت جمعی- به‌عنوان گونه‌ای جدید در تاریخ‌نگاری، به‌صورت مخفی و غیر رسمی در انتقاد به شیوه مرسوم در ثبت وقایع که نوعی تاریخ‌نویسی آشکار و فرمایشی بود را باید در این راستا قلمداد کرد. هرچند مردان در این گونه تاریخ‌نگاری نقشی غالب را داشته‌اند و زنان در اثر ایشان، به‌صورت محدود جلوه نموده‌اند، اما با تحولات عصر مشروطه و تسری آگاهی به بخش‌های مختلف جامعه، زنان نیز با حضور در این عرصه سعی نمودند تا جای خالی خویش را در این حوزه پر کنند.

به‌واقع می‌توان بیان داشت که در کل دوره تاریخ ادبیات ایران تا دوره ناصری، جز چند رساله فقهی، نمونه دیگری از نوشته‌های مکتوب زنان به نثر در دست نیست. زنان اهل سخن فرض نمی‌شدند و در تاریخ‌ها و تذکره‌ها و سایر متون نثر (جز موارد بسیار نادر) حضور نداشتند. غایب بودن آنان نشان‌دهنده بی‌اعتبار دانستن حضور زن در ساختار فرهنگ مکتوب است و اشاره به این دیدگاه عرفی مردسالار دارد که میان زن و فرهنگ مابینت وجود دارد (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۱۷).

اما از میانه‌های عصر ناصری می‌توان با وجود نامه‌های زنان درباری، رساله‌های انتقادی و سفرنامه‌های زنان از تغییرات محسوس در عرصه نوشتاری در ادبیات فارسی نام برد. مجموعه مذکور «شامل نامه‌های مهدعلیا (مادر ناصرالدین‌شاه)، نامه‌های فروغ‌الدوله (دختر شاه) و زنان شاه (انیس‌الدوله، امینه اقدس و ندیم‌السلطنه)، سفرنامه خاور بی‌بی شادلو، سفرنامه سکینه سلطان وقارالدوله، گزارش سفر حج علویه کرمانی و گزارش سفر

عصمت‌السلطنه دختر فرهادمیرزا و رساله انتقادی معایب الرجال از بی‌بی خانم استرآبادی» است (رضوی، ۱۳۹۲: ۲-۳). همچنین با تدوین تاریخ اردلان یا تاریخ اکراد به‌وسیله مستوره کردستانی «نخستین تاریخ‌نویس زن ایرانی در دوره قاجار ظهور کرد» (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۳۲۵) که می‌توان آن را آغاز اوج حضور زنان در نثر قلمداد نمود که با جریان خاطره‌نگاری زنان در پیوندی گریزناپذیر است و *خاطرات سردار مریم بختیاری* به‌عنوان اولین نمونه تاریخی آن قابل‌بررسی و تأمل است.

کتاب *خاطرات سردار مریم بختیاری*، به‌عنوان اولین اثر خاطره‌نگاری زنان، از معدود خاطراتی است که از تفکر سنتی درباره زنان انتقاد می‌کند و نقش کلیشه‌ای زن را به چالش می‌کشد. گرچه نقش سنتی نیز در قسمت‌هایی مثل دخترایلخانی و خواهر سرداران مشروطه حفظ می‌شود، آنچه گفتمان اصلی را شکل می‌دهد، مخالفت با فرهنگ مردانه است. این فرهنگ همان است که در روند خاطره‌گویی، به‌طور گسترده مورد حمله نویسنده قرار می‌گیرد. راوی همیشه سعی دارد نقش کلیشه‌ای زنان را و نیز مخالفت صریح خود را با این فرهنگ مردانه آشکارا بیان کند. او چالش همیشگی با مردان زمان خود را نمایش می‌دهد که می‌خواهند او را صرفاً در نقش‌های زنانه سنتی ببینند.

مقاله حاضر بر آن است تا گفتمان دورنی کتاب *خاطرات سردار مریم* را، با تکیه بر نظریه و روش فرکلاف بررسی و تحلیل کند. در همین راستا و جهت پاسخ به سؤال اصلی و هدف مقاله، یعنی چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی در *خاطرات سردار مریم*، با استفاده از این روش، بررسی خواهد شد که *سردار مریم بختیاری* برای فاصله گرفتن از گفتمان جامعه درباره نقش‌های زنان آیا تلاشی نموده است؟ و به چه میزان توانسته است متنی بر علیه فرهنگ عینی زمانه خویش و در جهت تحقق آزادی از فرایند گفتمان سنتی جامعه رقم بزند.

درباب پیشینه پژوهش قابل‌ذکر است که مباحث و نظریات مبتنی بر روش‌های تحلیل گفتمان در تحلیل برخی از متون تاریخی مورد کاربست قرار گرفته است. در مورد *خاطرات* به‌عنوان منابع مهم و دست‌اول تاریخی، اما شاهد آثاری از این دست نیستیم. با وجود این می‌توان از مقالات دانش‌آموختگان ادبیات فارسی و تمرکز ایشان بر رویکرد ادبی این آثار به نمونه‌هایی چند جهت پیشینه پژوهش اشاره نمود. از جمله می‌توان به مقاله «تحلیل گفتمان

خاطرات عصر مشروطه و پهلوی» از مریم عاملی رضایی و همکاران مؤلف او اشاره کرد. در این مقاله نویسندگان با نظریه «جیمز پل جی» و «روث داک» به بررسی عناصر هویت زنانه در چهار مورد از خاطرات عصر قاجار و پهلوی پرداخته‌اند. همچنین محمدرضا جوادی یگانه و سید محمدعلی صفی نیز در مقاله «روایت زنانه از جنگ؛ تحلیل انتقادی کتاب خاطرات دا» با نظریه تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی متن این اثر خاطره‌نگاری ایران امروز پرداخته‌اند که در بخش‌هایی از این پژوهش یاری‌رسان و الهام‌بخش مؤلفان نوشتار حاضر بوده است. در تحقیقات تاریخی نیز یک رساله دکتری در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «بازنمایی هویت و نقش‌های جنسیتی در خاطره‌نگاری زنان ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی» با استفاده از نظریه «هویت روایی» پل ریکور و مباحث حوزه جنسیت به خاطرات زنان در ایران معاصر پرداخته است که خاطرات سردار مریم نیز یکی از موارد کار شده است. همچنین در کتاب *تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار* که مجموعه‌مقالاتی به کوشش سمیه سادات شفیعی است مقاله‌ای با رویکرد توصیفی محض و با عنوان «واکاوی نمونه‌هایی از بینش اجتماعی و سیاسی زنان در عصر قاجار» به معرفی *خاطرات سردار مریم* پرداخته است؛ معرفی‌ای که شامل ارجاعات طولانی به متن کتاب و گاه فکت‌های غیرقابل‌اعتبارسنجی است.

۲. نظریه گفتمان کاوی انتقادی

گفتمان کاوی انتقادی ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد؛ و هدف از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بود. زبان‌شناسان انتقادی این حرکت را جدایی از زبان‌شناسی توصیفی می‌دانستند که تنها به ساختارها و صورت متن توجه دارد و کارکردهای اجتماعی آن را مورد توجه قرار نمی‌دهد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱). گفتمان کاوی انتقادی مفهوم گفتمان را از گستره زبان و واحدهای زبانی فراتر برده و کل حوزه کردارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در بر گرفت. از این دیدگاه، گفتمان کاوی «نوعی از تحلیل است که صرفاً معطوف به امرواق نیست، بلکه به شرایط امکان آن‌ها نیز می‌پردازد» (فیرحی، ۱۳۷۸: ۵۳).

بنابراین، واحد تحلیل نه فقط رخدادهای زبانی که کل اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده حوزه

معنایی و ساختار اجتماعی است که امکان اندیشه و عمل در بستر آن فراهم آمده است. گفتمان‌کاوی انتقادی زمانی پدید آمد که زبان تحت‌تأثیر اندیشه‌های فوکو و هابرماس در تولید و بازتولید جامعه و ساخت روابط قدرت در عرصه اجتماعی اهمیت به‌سزایی یافته بود. همچنین گفتمان‌کاوی انتقادی رویکردهای متفاوتی را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: رویکرد اجتماعی-شناختی تئون ون دایک، رویکرد جامعه-زبان‌شناسی روث وداک، رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی گاتر کرس و وون لیوون، رویکرد لاکلاو و موفه و روان‌شناسی گفتمانی و رویکرد فرکلاف؛ که جامع‌ترین چارچوب گفتمان‌کاوی انتقادی به حساب می‌آید و گفتمان را به‌مثابه کردار اجتماعی در نظر می‌گیرد (ون دایک، ۱۳۸۲، آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶، یورگنسن، ۱۳۸۹، فتحی، ۱۳۸۷). در ادامه با تعاریف مفاهیم کلی این مبحث، با شرح و بسط نظریات فرکلاف، دیدگاه و روش وی را ملاک گفتمان‌کاوی انتقادی *خاطرات سردار مریم* بختیاری قرار خواهیم داد.

واژه «discourse» در زبان فارسی به مباحثه، گفتمان، گفتار، گفت و گو، سخن و اصطلاح «analysis discourse» به سخن‌کاوی، تحلیل کلام، تحلیل گفتار، تحلیل گفتمان و گفتمان‌کاوی ترجمه شده است. (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹۲؛ بهرامپور، ۱۳۷۹: ۲۲) اما گفتمان‌کاوی انتقادی از نظر فرکلاف تلفیقی است از: تحلیل متن، تحلیل فرایندهای تولید و توزیع و مصرف متن و تحلیل اجتماعی-فرهنگی رخداد گفتمانی به‌عنوان یک کل. از دیدگاه وی گفتمان‌کاوی انتقادی، روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود؛ مرجعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی بر این نظر است که گفتمان‌کاوی انتقادی، در بررسی پدیده‌های زبانی و کنش‌های گفتمانی، به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان و ... توجه کرده است و عناصر زبانی و غیر زبانی را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود قرار داده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۴).

فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: گفتمان به‌مثابه متن، گفتمان به‌مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن و در نهایت گفتمان به‌مثابه زمینه

متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی (همان: ۹۶). از این منظر تحلیل فرکلاف از متن آغاز می‌شود. متن را با توجه به چند ویژگی می‌توان تحلیل کرد. این خصوصیات بیشتر مرتبط با زبان‌شناسی است. شکل‌گیری هویت در متن، استعاره‌ها، طرز بیان و قواعد دستوری از این مواردند (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۴۴). پرکتیس گفتمانی پس از تحلیل متن و شناخت بافت گفتمانی از دیدگاه فرکلاف مورد توجه است. پرکتیس گفتمانی به بخش تولید و مصرف متن توجه دارد. در این بعد، پژوهش‌گر قصد دارد تا بداند چرخه تولید اثر به چه شکلی است و خوانندگان چگونه متن را مصرف می‌کنند. همچنین یکی دیگر از سؤال‌ها این است که متن موردنظر در چه ژانر یا موضوعی قرار دارد. در این مرحله میان گفتمانیّت و میان متنیت معنا پیدا می‌کند. در واقع می‌توان در جست و جوی ژانرها و موضوعاتی بود که در حلقه متن مورد نظر جای دارند و همگی در یک وادی سیر می‌کنند. این متون که از نظر موضوعی با هم رابطه دارند، پیوندهای درون متنی دیگری نیز یافته‌اند و از عناصر یک شکلی برخوردارند. به این ترتیب می‌توان به مقایسه متن مورد نظر با دیگر متون نوشته شده در آن گفتمان دست زد و از این رهگذر، مناسبات اثر با گفتمان عصر خویش را به دست آورد. بعد سوم نظریه فرکلاف به پرکتیس اجتماعی می‌پردازد. در بحث پرکتیس اجتماعی، رابطه دو بعد پیشین با جامعه و ساختارهای اجتماعی موردنظر است. در واقع چگونگی ساخت متن با توجه به ساختارهای اجتماعی از یک سو و چگونگی برساخت نظم گفتمانی توسط پرکتیس گفتمانی متن از سوی دیگر اهمیت دارد. در این بعد، به تحلیل رابطه میان متن و ساختار جامعه توجه شده است و این‌که آیا متن ساختارهای اجتماعی و نظم گفتمانی موجود در جامعه را بازتولید کرده و بر آن صحنه گذاشته است یا سعی کرده از آن بگریزد و آن را بشکند. او فهم پرکتیس اجتماعی را با توجه به نظریه‌های اجتماعی ممکن می‌داند (جوادی یگانه، ۱۳۹۲: ۸۹-۹۰).

در ادامه پژوهش، به گفتمان کاوی انتقادی خاطرات سردار مریم با توجه به سه بعد موردنظر فرکلاف خواهیم پرداخت. ابتدا به متن و تحلیل زبان‌شناختی آن، سپس پرکتیس گفتمانی آن (کتاب خاطرات به‌طور عام و خاطرات زنان به‌طور خاص) و سرانجام به پرکتیس اجتماعی‌اش (گفتمان سنتی نقش زنان) اشاره خواهیم کرد. در انتها نیز سهم خاطرات سردار مریم را در ساخت گفتمانی نو یا تسلیم شدن به گفتمان مسلط بررسی می‌کنیم.

۳. معرفی اجمالی خاطرات سردار مریم بختیاری

بی‌بی‌مریم بختیاری، اولین زن خاطره‌نگار در دوره قاجار، «دختر حسین‌قلی‌خان ایلخانی» (سرائی، ۱۳۹۴: ۱/۲۶۷) است که در سال ۱۲۹۹ ه‍.ق ظاهراً به دستور ناصرالدین شاه قاجار به‌وسیله شاهزاده مسعودمیرزا ظل‌السلطان در اصفهان به قتل رسید. بی‌بی‌مریم با آن که سواد اندکی داشت، دست به نوشتن خاطرات زندگی خود زد. وی این خاطرات را در نهان و خلوت خویش می‌نوشت و نگه می‌داشت و با آن‌که خانه او کانون رفت‌وآمد دانشمندان و مردان سرشناس بود، گویا هرگز نخواست به خاطر آنکه خاطراتش را آشکار کند یا ویرایش و آرایش آن را از دانشمندان محفلش بخواهد. وی در نوشته‌هایش شجاعانه و حقیقی سخن می‌گوید و حقایق تراویده از قلمش قابل‌ستایش است. او در هیچ شرایطی از حق و حقیقت چشم‌پوشی ننموده است. باید بیان کرد که یکی از بهترین اسناد به‌جامانده از دوره ناصری و وضع زندگانی طبقه ممتاز بختیاری همین نوشته بی‌بی‌مریم است، زیرا وی از پرداختن به حقیقت‌گویی کوتاهی ننموده و در تمام اوراق خاطراتش حقایق را عیناً بر روی کاغذ آورده و کمتر چیزی را کتمان کرده است و در زمینه تاریخ وقایع زمان خودش اشاره‌های جالب و ارزنده‌ای دارد. وضع خاص زندگی بزرگان بختیاری و شاهزادگان قاجار و مخصوصاً در مورد شخصیت لرزان و بی‌ثبات مظفرالدین شاه قاجار به شکلی جالب و خواندنی مطالب را ادا می‌نماید که موجبات تحیر خواننده را فراهم می‌نماید (بختیاری، ۱۳۸۲، برگرفته از مقدمه کتاب به قلم غلام‌عباس نوروزی بختیاری).

سردار مریم در شعبان ۱۳۳۶ ق شروع به نوشتن خاطرات خود نمود و از همان ابتدا هدف خود را ثبت وقایع زندگانی خویش عنوان کرده است (همان: ۲۳). این مقصود به گونه‌ای شگرف و ظریفانه در طی خاطرات پیگیری شده و من‌شخصی سردار مریم آن چنان قوی و جاری در متن است که می‌توان گفت نوشته‌های وی از این منظر نمونه‌ای ارزشمند است. با آن‌که بی‌بی‌مریم قصد تاریخ‌نویسی نداشته، ولی اثر وی اثری ارزشمند از منظر دارا بودن اطلاعات تاریخی است. این امر از قضاوت‌های تاریخی وی به‌خوبی مشهود و قابل‌اثبات است. *خاطرات سردار مریم بختیاری* با معرفی خانواده وی شروع می‌شود و سپس به چگونگی قتل پدرش و دستگیری و زندانی بودن برادرانش اسفندیار خان و علیقلی خان به

دست ظل‌السلطان ادامه می‌یابد. توصیف وضعیت اسفناک زنان ایرانی و بالاخص زنان ایلی جایگاهی ویژه در این خاطرات دارد و سردار مریم با ظرافتی خاص همگام با بیان مشکلات خویش به‌عنوان نمونه‌ای از این زنان، در حوزه‌ای وسیع‌تر به نقد وضعیت هم‌جنسان خود نیز می‌پردازد.

صحبت از خانواده و بیان احساسات نیز از جایگاهی برجسته در خاطرات سردار مریم برخوردار است و همان‌گونه که بیان شد، آغاز خاطرات با معرفی خانواده وی شروع می‌شود. توضیح بدبختی‌های زندگی ایلی و دو ازدواج اجباری و سختی‌های درگیری با برادرانش بر سر اموال از مباحث‌های اصلی مسائل خانوادگی سردار مریم است. وی با صراحت و با توصیفی روشن ظلم برادران خود سردار اسعد دوم، سردار ظفر و ... را در حق خود و فرزندان‌ش برای تصاحب مال شوهرش شرح می‌دهد. مورد جالب توجه این است که وی هر جا از آن‌ها خوبی دیده خوبی را وصف می‌کند و از بدی‌های آن‌ها نیز به موقع یاد می‌کند. بیان واقعی احساسات به مانند ذکر حقایق جاری نیز تبلور ویژه در این خاطرات دارد.

انقلاب مشروطه نیز تأثیر خاصی بر روند خاطرات سردار مریم دارد. وی که خود و احوالاتش درست در مرکز خاطرات قرار دارد و در کل کم‌تر از محدوده خویشتن و بختیاری فراتر می‌رود، با وقوع انقلاب مشروطه و سپس استبداد صغیر و اتحاد بختیاری‌ها برای فتح تهران، او نیز توجه به مسائل مملکتی می‌کند و نحوه اتحاد برادران را برای حرکت به سمت تهران با جزئیات بیان می‌دارد و پایان خاطرات وی حادثه فتح تهران و پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه است (همان: ۱۸۰-۱۸۵). در کل می‌توان گفت، خاطرات بی‌بی‌مریم بختیاری، به‌عنوان اولین خاطره‌نگار زن در عصر قاجار دارای امتیازهای ویژه است. «من فردی» قدرتمند نویسنده، توجه به احساسات و توصیف احوالات خانواده، نقد فرهنگ مردسالارانه اجتماع، چالش با نگاه سنتی جامعه به زن و نقد وضعیت زنان ایرانی، نقد مسائل جاری و امور مملکتی، همه از تحولی شگرف در این خاطره برخوردارند. در ادامه مبحث با جزئی‌نگری بیشتری به هر یک از این ویژگی‌ها اشاره خواهیم نمود.

۴. بررسی متن خاطرات سردار مریم بختیاری

جهت بررسی متن خاطرات سردار مریم بختیاری، باید به نکات متفاوت این متن توجه

داشت. روایت این کتاب، حکایت زنی است که با تمام آزاد اندیشی، درگیر مشکلات بر ساخته اجتماعی است که وی ناچار به تبعیت از قوانین آن است و اما با وجود این سعی می‌کند دارای نقش‌های اجتماعی ویژه‌ای نیز باشد. نقش‌هایی که گاه از مقوله کرداری فرای جنسیت وی باید آن را دوری از نقش‌های زنانه دانست و آن را کرداری مردانه توصیف نمود. سردار مریم در هر دو زندگی زناشویی خویش به دلیل موقعیت برتر خانوادگی خود و قدرت حاصل از این موقعیت، نقشی برتر در امور زندگی و مدیریت آن دارد و گاه به گونه‌ای است که این نقش برتر به ریاست وی بر طایفه‌ای نیز سرایت داده می‌شود. وی در توصیفی از برتری خویش بعد از ازدواج اول بر طایفه چهارلنگ می‌نویسد: «... علاچی که برای این مردم دیدم، این بود که خودم را خشن نشان بدهم، متکبر نشان بدهم، از آن طرف هم سخاوتی نشان بدهم که به قوت خداوند تمام کارها خوب بشود. بمختصر یک سال طول نکشید که تمام اهل چهارلنگ از من می‌ترسیدند و اطاعت می‌کردند ... حکومت چهارلنگ بدون مدعی از ما بود. در آن روزگار من خیلی هم متمول شده بودم، به حدی ایل چهارلنگ از من حساب می‌بردند که جرات نمی‌کردند دو کلام حرف جلو من بزنند...» (خاطرات سردار مریم بختیاری: ۸۲-۸۳) این قدرت و تسلط وی حتی بر همسر نیز در جاهای مختلف خاطرات ذکر شده است (همان: ۸۵).

توانایی سردار مریم در ایفای نقش‌های مردانه موردی است که از سوی برادران وی نیز تا حدودی مورد قبول است. به‌عنوان نمونه در درگیری بین فرزندان و برادران حسینقلی خان ایلخانی، سردار مریم به دستور برادرش صمصام‌السلطنه همراه با ایل چهارلنگ جهت حمایت از اردوی برادران به آن‌ها می‌پیوندد و این درست در زمانی است که از مرگ همسر اول وی مدتی گذشته است و حضور وی هنوز وحدت‌بخش و مدیریت‌کننده ایل چهارلنگ است (همان: ۸۹). تأکید سردار مریم در پذیرش و برجسته کردن نقش‌های مردانه به وضوح در جای جای اثر ذکر شده است. از نمونه‌های بسیار آن می‌توان دادن مسئولیت خانواده ایلخانی از سوی حاجی‌علیقلی خان سرداراسعد به وی در سال ۱۳۱۱ ق (همان: ۱۰۷) و سلاح به دست گرفتن و خلع سلاح کردن اردوی بردارش سردار ظفر در حمله به آبادی‌های همسر دوم سردار مریم را نام برد. حرکتی که باعث خشم سردار ظفر و تحریک سپاه برای حمله مجدد به وی در این عبارات بیان گردیده است: «... حضرت سردار ظفر بیداد نمود که ای

مردم یک زن سوارهای ما را یراق چین بکند؟ تمام سوار حرکت بروند سورشجان... تمام آبادی را غارت بکنند... حتی مقنعه سر بی بی مریم را هم بیاورید... آنچه سردار ظفر وعده و نوید داد، بختیاری‌ها جواب ندادند...» (همان: ۱۷۱)

حضور پر رنگ بی‌بی‌مریم در نقش‌های متفاوت از جنسیت وی، در زمان اعزام اردوی بختیاری جهت فتح تهران در زمان استبداد صغیر نیز قابل ذکر است. نطق استوار وی در اردوی آماده حرکت با چنین واکنشی و تأییدی همراه بوده است: «...حضرت سردار اسعد فرمودن زنده باد خواهر عزیزم که بعد از گریه و زاری این نطق آتشین را نمودید، هم محبت خواهر را بروز دادید، هم نجابت ایرانییت خود را» (همان: ۱۸۳).

سردار مریم بختیاری که در جای جای خاطرات خویش سعی دارد از چنگال نقش‌های صرفاً جنسیتی رها شود و به نقشی برابر با مردان دست یابد و آن را حق زنان بداند، همچنان که در فعالیت‌های سیاسی زمان خود در حد مقدر شرکت می‌کند، در خاطرات خویش نیز وارد مباحث سیاسی می‌شود و در موقعیت‌های مختلف به نقد سلسله قاجار و منسوبان آن‌ها می‌پردازد؛ که در این میان بیشترین انتقادات نسبت به ناصرالدین شاه است. وی با ذکر این که «... ناصرالدین شاه که در عالم هیچ فکری برای ایران نداشت سواى اینکه خودش را وسعت بدهد و آنچه می‌تواند ایران را ذلیل کند...» (همان: ۲۴) با تحول اندیشه‌ای عمیق و متفاوت نسبت به مردان روزگار خویش، «شخص سلطان» را «نوکر ملت» می‌داند نه «خدای ملت» و بر این اعتقاد است «هر وقت این مستخدم برای ملت خوب کار کرد او را باید دعا کرد و برقرار داشت، اگر بد کار کرد باید معزول نمود و حسابش را رسید، پدرش را سوخت، نه اینکه ستایش نمود.» (همان: ۱۰۶-۱۰۷). توجه سردار مریم به امور سیاسی تنها به نقد دستگاه حکومتی نیست و دقت در امور دیگر و مورد توجه بودن مسائل بسیار را می‌توان در خاطرات وی ردیابی نمود. به‌عنوان نمونه، وی هنگام گذر از قلمرو بختیاری در بیلاق و قشلاق‌های متفاوت ضمن بیان نعمت‌ها و زیبایی‌های این مسیر بر این عقیده است «...که اگر ما هم خط آهن داشتیم، اگر ما هم راه شوسه داشتیم، تمام محصول این جنگل‌های بختیاری به قیمت طلا در خارجه به فروش می‌رفت...» (همان: ۸۴).

اما راوی این خاطرات به همان میزان که به نقش‌های جنسیتی مردانه توجه دارد، از

احساسات منسوب به زنان نیز گریزان نیست و در مواقع مختلف از آن‌ها استفاده و نسبت به بروز آن‌ها اقدام می‌کند. اشک و گریه کردن را اگر واکنش و احساسی زنانه بیندازیم، در جای جای اثر به این مورد به وفور دست خواهیم یافت. توصیف وداع پر اشک و هیاهو با برادران در هنگام رفتن آن‌ها به سمت تهران جهت وساطت آزادی اسفندیار خان (همان: ۷۳) از این نمونه است. عدم رضایت سردار مریم در هر دو ازدواج و استفاده از واکنش زنانه جهت مخالفت با این اجبار نیز بدین گونه در مورد ازدواج اول توصیف شده است «... عروسی من هم شروع شد ... فردا ما را حرکت می‌دادند اما چه رسوایی‌ها در آوردم تمام موهای سرم را کندم، تمام صورتم را کندم، اما چه ثمر تمام بی‌نتیجه ماند...» (همان: ۸۲) هر چند سردار مریم پذیرش نقش همسری را به دلیل آن که «... زن‌های ایرانی در خانه شوهر اسیرند» (همان: ۱۱۰) بر نمی‌تافت و صراحتاً ذکر کرده است که «از شوهر داری بدم می‌آمد، از اول تا آخر عمر میل به شوهر داری نداشتم...» (همان: ۱۱۱) اما در بیان احساسات مادرانه دریغ نکرده است و در موقعیت‌های مختلف خاطرات خویش این حس عمیق زنانه را بروز و به آن افتخار نموده است (همان: ۱۴۳-۱۴۴).

متن *خاطرات سردار مریم بختیاری*، در گفتاری پیچیده است که می‌توان با قطعیت آن را زنانه تعبیر نمود. این متن سرشار از ذکر جزئیاتی با روایت و وسواسی زنانه است. ذکر خاطرات کودکی، بیان صحنه‌های مختلف زندگی در موقعیت‌های شاد و غمگین، همراه با احساسات راوی، تأثیر متن را بر خواننده اثر دوچندان می‌کند. به‌عنوان نمونه روایتی که ذکر خبر مرگ پدرش حسینقلی خان ایلخانی است این گونه با جزئیات به تصویر کشیده شده است «... خبر رسید که ایلخانی را کشتند، خوب به یادم هست که چه محشری در چقاخور شد. تمام سراپرده‌ها سیاه چادرها تا چشم پیدا بود، کنده شدند. تمام زن‌های فامیل لباس‌ها را پاره‌پاره نمودند که لخت شده بودند. عمویم و چند نفر مردهای محترم عبا میان سر زن‌ها می‌انداختن ... آن وقت در فامیل ما و ایل یک نفر بزرگ که می‌مرد، گیسو می‌بریدن. یادم هست بحدی در چقاخور برای پدرم گیسو بریده شد که می‌توانم بگویم هزار من بود. چون که تقریباً ده هزار نفر زن در بختیاری گیسو بریدن، روزی که خبر کشتن پدرم رسید روز محشر شد.» (همان: ۳۳).

ذکر این جزئیات همراه با حسی که وی منتقل می‌کند در مورد خاطرات دوران کودکی سردار مریم نیز قابل توجه است، موردی که در خاطرات هم عصر وی به این شیوه دیده نمی‌شود. سردار مریم به خوبی توانسته است در این مورد نمونه موفق باشد و این گونه روایت خویش را از حالت و اتفاقات مختلف کودکی بازگو نماید «... تا پدرم در حیات بود خیلی کوچک بودم، خوب و بد دنیا را نمی‌دانستم ... خیلی از مادرم می‌ترسیدم. به حدی مرا کتک می‌زد، به حدی مرا اذیت می‌نمود که در طفولیت او را دوست نمی‌داشتم ... مادرم نمی‌گذاشت غذا زیاد بخورم، چون که یک اولاد داشت، می‌ترسید ناخوش بشوم ... نمی‌توانستم حرف بد را تحمل کنم، زود جواب بی‌ادبانه می‌دادم. از بس رو به من دادن. خیلی برادرهایم رو دوست می‌دارم ... به حدی مرا محبت نمودن که یتیمی به من اثر نکرد ...» (همان: ۴۹-۵۲) سردار مریم با بیان این توصیفات دقیق، مخاطب اثر خویش را از همان آغاز به زیبایی با خود همراه نموده است و با قدرت بازنمایی حوادث و احساسات مختلف در موقعیت‌های متفاوت، اثری ویژه و ممتاز را در حیطه خاطرات عصر قاجار که به‌طور یقین با روایت مردان گره خورده، پدید آورده است.

۵. پرکتیس گفتمانی

پرکتیس گفتمانی به تولید و مصرف متن مورد نظر اشاره دارد. در این مرحله می‌توان میان گفتمانی متن را مورد توجه قرار داد؛ به این معنا که متن در چه موضوع و ژانری تولید شده و رابطه آن با دیگر متون این موضوع چگونه است (جوادی یگانه، ۱۳۹۲: ۱۰۱). در همین راستا برای تحلیل میان گفتمانی کتاب *خاطرات سردار مریم بختیاری* باید به مقایسه آن با کتاب‌های مشابه با آن پرداخت. موضوع و ژانری که این کتاب به آن اختصاص دارد، خاطرات عصر قاجار است. بیشتر فعالان این عرصه مردان هستند و منهای خاطرات سردار مریم، فقط تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه به‌عنوان دیگر زن خاطره‌نویس این عصر قابل ذکر است. بررسی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و در کل مقایسه کلی چند اثر برجسته خاطره‌نگاری این عصر با خاطرات سردار مریم، مبحث اصلی این بخش است. با توجه به این که خاطرات سردار مریم، در زیر مجموعه خاطرات بختیاری‌ها نیز قابل تقسیم است. در اولین مقایسه، به بررسی خاطرات سردار اسعد بختیاری به‌عنوان نمونه‌ای نزدیک از لحاظ

قومیتی به اثر بی‌بی‌مریم خواهیم پرداخت.

خاطرات سردار اسعد بختیاری از جعفرقلی‌خان سردار بهادر فرزند علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری است که برادرزاده بی‌بی‌مریم محسوب می‌گردد. خاطرات وی یادداشت‌های روزانه است و برای تاریخ ایران اطلاعات سودمندی دارد. گزارش وی از وقایع مهم مشروطیت، حکومت وی در تهران و والی‌گری در خراسان از مطالب مهم بخش تاریخ قاجار آن است. جعفرقلی‌خان در حوادث مربوط به مشروطه، به‌طور کلی و تیتروار حوادث را بیان کرده و از جزئی‌نگری به‌صورت مطلق پرهیز نموده، هرچند که یادداشت‌ها روزانه بوده است. صحبت از رسم و رسوم بختیاری و همچنین حضور زن در اثر وی نیز دارای جایگاهی نمی‌باشد و به‌ویژه در مورد زنان هیچ اشاره‌ای صورت نپذیرفته است (اسعد بختیاری، ۱۳۷۸). متن رسمی، گزارش‌گونه و گاه کسالت‌بار وی، بدون داشتن داده‌های بکر، به‌خوبی تفاوت این اثر با نوشته بی‌بی‌مریم و ارزش خاطرات اولین خاطره‌نگار زن عصر قاجار را نشان می‌دهد.

از دیگر خاطرات ارزشمند دوره مذکور که می‌توان به مقایسه آن با خاطرات سردار مریم پرداخت، خاطرات قهرمان‌میرزا عین‌السلطنه است. وی که صاحب طولانی‌ترین خاطرات مربوط به دوره قاجار است، از دیگر مردان خاطره‌نگاری است که البته برخلاف اسعد بختیاری توجه‌ای ویژه در ثبت خاطرات خویش داشته است و اثر وی دوره‌ای طولانی در حدود ۶۵ سال را دربرمی‌گیرد. این اثر که دائره‌المعارفی ارزشمند از تاریخ ایران محسوب می‌شود، در بیشتر سال‌ها به‌صورت روزانه ثبت شده است. در این روزنامه به غیر از مطالب سیاسی، اطلاعات دیگری از فرهنگ، آداب و رسوم، طرز پوشش و عقاید مردم در ارتباط با مسائل مختلف ذکر شده است (عباسی، ۱۳۹۹: ۱۶۱).

هرچند جزئی‌نگری و اهتمام در ثبت دقیق گزارش‌ها، از ویژگی‌های مشترک این اثر با خاطرات سردار مریم است، اما حس عمیقی را که بی‌بی‌مریم در خط به خط سطور خاطرات خود به خواننده منتقل می‌کند، این اثر فاقد است؛ اما توجه به مسائل زنان و امور ایشان نیز تقریباً جایگاه متعادلی را در این اثر دارد و عین‌السلطنه اطلاعات ارزنده‌ای را در مورد زنان طبقات بالا و به‌خصوص وضعیت حرمسرای ناصرالدین‌شاه عرضه می‌کند (عین‌السلطنه؛ ۱۳۷۶: ۱/۶۳۶؛ ۱۰۶۹-۲/۱۰۷۰). هر چند که این اطلاعات نیز جنبه رسمی و گزارش‌گونه

دارد و هیچ‌گونه انتقادی از وضعیت زنان در آن دیده نمی‌شود؛ و این درست برخلاف اثر بی‌بی‌مریم بختیاری است که با ذکر جزئیات مربوط به زنان، به انتقاد بی‌پرده از وضعیت ایشان در جامعه ایران، به‌خصوص ایل بختیاری می‌پردازد.

اما در مقایسه خاطرات سردار مریم با دیگر زن خاطره‌نگار این عصر، یعنی تاج‌السلطنه متوجه شباهت‌ها و دغدغه‌های مشترک بسیاری در متن دو اثر می‌شویم. توصیف جزئیات دقیق وقایع، انتقال حس عمیق خود از اتفاقات مختلف که بازگو می‌شود، انتقاد از وضعیت زنان ایرانی، توجه دقیق به دوران کودکی، اغراق در ستایش پدر و نقد برادران، ابراز حس تنفر از همسر انتخاب‌شده از سوی دیگری، از مواردی است که در خاطرات تاج‌السلطنه نیز بازگو گردیده است (تاج‌السلطنه، ۱۳۶۶). هر چند که صراحت انتقادهای وی به تندی سردار مریم نیست و این امر را باید در نزدیکی بیشتر وی به حلقه قدرت دانست. نقد وضعیت زنان ایرانی، اما به‌مانند خاطرات سردار مریم در این اثر نیز دارای جایگاه ارزشمندی است و وی نیز در جای جای اثر خویش به توصیف وضعیت اسفبار زنان هم‌عصر خود پرداخته و «تمام عیوب و مفاسد اخلاقیه» جامعه را «به‌واسطه عدم علم و اطلاع زن‌ها» می‌داند (همان: ۷) و بر این امر افسوس می‌دارد که «زن‌های ایرانی از نوع انسان مجزا شده و جزو بهایم و وحوش هستند؛ و صبح تا شام، در یک محبس نامیدانه زندگانی می‌کنند» (همان: ۱۲).

باید ذکر نمود که هرچند خاطرات تاج‌السلطنه نیز دارای شباهت‌های بسیاری با اثر سردار مریم است، اما توجه و اهتمام و همچنین نکته‌سنجی اثر سردار مریم در نقد امور بیشتر از خاطرات تاج‌السلطنه است. این نکته را باید زمانی دارای نقش پررنگ‌تری دانست که دو اثر و دو فضای متفاوت زندگانی دو خاطره‌نگار را مورد توجه قرار داد؛ و امکانات بیشتر جهت اطلاع از فضای متفاوت و محدودیت کمتر را از آن تاج‌السلطنه دانست. از نکات جالب در مورد این دو خاطره‌نگار زن عصر قاجاری نیز این است که بنا بر روایت سردار مریم دیداری نیز با یکدیگر داشته‌اند، دیداری که سردار مریم ضمن توصیف آن ابتدا ویژگی‌های زنانه تاج‌السلطنه را مورد شرح قرار داده است «تاج‌السلطنه معروف که یکی از خواهرهای او (مظفرالدین شاه) بود، خیلی خوشگل بود ... سوای این‌که اندکی قامتش کوتاه بود و خیلی هم چاق بود به‌حدی که از هیکل انسانی خارج شده بود، وقتی که در طهران بودم یک

روزی دیدن من آمد تا دو ساعت از شب گذشته ماند ... دانا بود تا اندازه‌ای عالمه بود، خیلی خوش کلام و با تقریر بود، یکی هم بدبختانه تمام صفات خوب با پرده ضخیم بی‌عصمتی پوشیده داشت» (سردار مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۷۴-۱۷۵). نکته پایانی این مقایسه را می‌توان این‌گونه ذکر نمود که هر چند دو اثر، از یکنواختی روایت‌های مردان خاطره‌نگار عصر قاجار به دور می‌باشند و به نقد وضعیت زنان و جامعه خویش می‌پردازند و در راه این نقد از گفتار زنانه استفاده می‌کنند، اما به دلیل صراحت بیشتر و توجه دقیق‌تر می‌توان برتری را از آن خاطرات مریم بختیاری دانست. زنی که حتی برخلاف هم نوع خاطره‌نگار خویش در زمان توصیف خود و احوالات خویش، بیشتر از توجه به ویژگی‌های زنانه، عقل، کاردانی و هوش خویش را برجسته می‌کند (همان: ۵۲ و ۶۰).

۶. پرکتیس اجتماعی

کتاب *خاطرات سردار مریم بختیاری*، روایت به چالش کشیده شدن وضعیت زنانی است که بی‌بی‌مریم نمونه‌ای از آن است. هر چند وی در این خاطره‌نویسی با بیان زندگی خود سعی دارد، به نقد گفتمان و کردار سنتی محدود‌کننده زنان بپردازد و این دیدگاه را محکوم نماید، اما در لایه‌های گوناگون اندیشه و کردار وی باز شاهد دوگانگی در این مسیر هستیم. به‌گونه‌ای که می‌توان بیان کرد سردار مریم با تمام آگاهی به معایب دیدگاه سنتی و انتقاد به عملکرد مردان، باز نتوانسته خود را از چارچوب این دیدگاه، به‌طور مطلق رها کند. سردار مریم با تمام اذغان به توانایی‌های زنان و موانع محدود‌کننده ایشان در مسیر ترقی، باز خود و تصمیمات کلیدی خود را در پرتو دیدگاه سنتی توجیه نموده است. دیدگاهی که زن و ارزش وجودی وی به مردان منتسب است و ملاک خوشبختی و تیره‌بختی یک زن در این دایره سنجیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، راوی به هنگام توصیف صفات و شرح کلی زندگانی خواهر چهارم خویش، هر چند که وی را دارای مال و مکنت می‌داند، اما بر این نظر است که «...از طرف اولاد خیلی بدبخت بود، چونکه از دو شوهر که میان خانواده پدر مادرم نمود، اولاد دکور برای او نماند...» (همان: ۴۶).

تأکید چندین باره مریم بختیاری بر دارا بودن پسران متعدد و تفاخر به این امر در جای جای خاطرات قابل مشاهده است. در مثالی دیگر در این زمینه، وی که به صراحت عدم

رضایت خود را از ازدواج اول ذکر نموده است در هنگام توصیف مرگ همسر اول، این دلیل «چونکه حالا سه پسر از او داشتم، ابداً راضی به مرگ او نبودم» (همان: ۸۸) را علت ناراحتی از فقدان همسر اول ذکر می‌کند و حتی تصمیم خود بر عدم طلاق از همسر دوم را، با تمام نارضایتی و تنفیری که از وی دارد، داشتن پسر از وی می‌داند. به گونه‌ای که حاضر می‌گردد، متارکه غیررسمی با وی بنماید و در خانه خود باشد و پسرش را تربیت کند (همان: ۱۶۲). البته باید دقت نمود که راوی این خاطرات با صراحتی بی‌مانند و به گونه‌ای مستقیم دلیل این شیوه تفکر را در رسوم منفی ایل بختیاری و عدم استقلال مالی زن می‌داند. زنی که به ناچار و جهت مسائل اقتصادی خویش مجبور به ازدواج ناخواسته می‌گردد. ازدواجی که هر چند، تلخ و ناموفق است اما به گونه‌ای نیاز مالی زندگی یک زن را تأمین می‌نماید. زنی که در این ازدواج اگر دارای فرزندان ذکور باشد، نیز سعادت‌مند محسوب می‌گردد؛ زیرا که در قانون بختیاری «ارث به دختر نمی‌دهند» و زن در هر حالت وابسته مردان بوده است و همیشه نیاز به حمایت آنان داشت (همان: ۱۱۰). این وضعیت در خاطرات سردار مریم این‌گونه به تصویر کشیده شده است: «ما زن‌های بختیاری تا در خانه پدریم یک مخارجی آنهم جزئی داریم، وقتی که شوهر کردیم حق اینکه از مال پدر، خانه پدر اسمی ببریم نداریم. در خانه شوهر هم اگر خدمت ارباب خود که شوهر باشد، خوشبخت شدیم عزیز شدیم که برای رفع شهوت و عیش خود همه‌گونه اسباب راحت ما فراهم می‌باشد، اگر خدای نخواستند سیاه‌بخت شدیم که خر بیار معرکه بار کن، نه در خانه پدر جا داریم نه خانه شوهر حق داریم، باید همین جور به ذلت و خواری میان دو خانواده زندگانی کنیم. اگر اولاد پسر داریم باید صبر کنیم تا او بزرگ شود آن وقت در پناه پسر خود یک زندگانی که سربار پسر باشیم بکنیم. هر کس پسر نداشت که باید عمرش را به ذلت و فقیری بگذرانند» (همان: ۱۱۵). شاید بتوان با این توصیفات، زنی را در پس این روایت دید که با تمام نقد بر ساختارهای موجود و امید به اصلاح آن‌ها در زندگی آیندگان خود، به تنهایی توان مقابله با تمام این سنت‌های به قدمت تاریخ را نداشته است و گاه به ناچار خود را نیز در این سنت‌ها مورد ارزش‌گذاری قرار داده است؛ اما تلاش خویش را جهت بازگو نمودن این سنن غلط در خاطرات خود و نقد همه جانبه آن نموده است زیرا که با تمام این دوگانگی ارزش، در دیدگاه سردار مریم زن نیز انسانی است که انسانیتش در پرتو جنسیتش مورد ظلم قرار

گرفته است و وی بر این اعتقاد است که اگر «می‌دانستیم که خداوند ما را برای چه خلقت کرده است، نمی‌توانستند این همه ظلم در حق ما بکنند» (همان: ۱۵۹).

عشق نیز در گفتمان سردار مریم و خاطرات وی با گفتمان معمولش فاصله دارد. عشق به پدر، برادران و ایل و وطن نمود خاصی در این اثر دارد. در همان صفحات آغازین روایت، خاطره‌نویس با مشخص کردن هویت خویش این توجه را در مخاطب جهت همراهی با وی بر می‌انگیزد. وی امیدوار است که خداوند به او فرصت بدهد تا وی که «یک نفر ایرانی و از ایل بختیاری» است «روزنامه زندگانی خود را خیلی ساده و مختصر» بنویسد (همان: ۲۳).

عشق به پدر در این اثر جایگاهی ویژه دارد و سردار مریم در هر کجای روایت خویش بنا بر موقعیت ممکن به ابراز این عشق می‌پردازد و پدر خود را با صفات بزرگ یاد می‌کند: «پدر من حسین‌قلی‌خان ایلخانی مرد خیلی بزرگی بود ... وضع زندگانی ایشان وضع سلطنتی بود ... آنچه از تحمل ایشان بنویسم هنوز کم است ... پدرم خیلی بزرگ بود ... خیلی پلیتیک‌دان بود ... خیلی مهربان و رووف بود ...» (همان: ۲۴-۲۶). اغراق در وصف صفات خوب پدر به‌گونه‌ای است که وقتی سردار مریم در سال ۱۳۳۶ قمری شروع به نوشتن خاطرات خویش می‌نماید، در اوج تحولات مشروطه و در تحت‌تأثیر بافت زمانی خویش، مدعی می‌گردد که «... ایلخانی پدرم تمام خیالش این بود که شاید در دربار دولت همدست پیدا نموده و ایران را مثل اروپا مشروطه بکند و این کهنه درخت استبداد را شاید بتواند به دستیاری بزرگان ملت و دولت از بیخ و بن بردارد ... افسوس که آزادی ایران را که ندید، جان شیرین خود و آزادی اولاد خود را هم سر این مطلب و خیال مقدس گذاشت ...» (همان: ۳۹). علاقه به برادران حتی با تمام اجحافات که در حق وی می‌نمایند و در هر دو ازدواج ناخواسته وی تصمیم‌گیرنده هستند و هم در تصاحب اموال وی در خانه همسر دوم نیز باعث آزار وی می‌شوند، نیز جلوه‌ای خاص دارد و بی‌بی‌مریم ضمن بیان معایب ایشان در موقعیت‌های متفاوت، ذکر خوبی‌های آن‌ها را نیز می‌نماید و گاه می‌نویسد که «به حد پرستش آن‌ها را دوست دارم» (همان: ۵۲).

عشق به وطن نیز در تمام دغدغه‌های ملی راوی جایگاه ممتازی دارا می‌باشد و مریم بختیاری ضمن نقد اوضاع جاری مملکت آرزومند سعادت و پیشرفت وطن است و هنگام

راهی شدن اردوی بختیاری به سمت تهران به هنگامه استبداد صغیر، در نطق خود برای تشویق بختیاری‌های عازم به میدان نبرد، افسوس می‌خورد که چرا «من یک نفر زن بدبختی هستم که نمی‌توانم برای آزادی ملت جانفشانی بکنم» (همان: ۱۸۳). ترس و افسوس از بدبختی وطن با امید به آینده‌ای درخشان همراه است و هرچند که سردار مریم افسوس دارد که «می‌ترسم بمیرم و ایران را مثل اروپا یا آمریکا یا ملت‌های دیگر دنیا» نبیند اما از آیندگان سعادتمند! ایران می‌خواهد «ای کسانی که روزنامه مرا مطالعه می‌نمایید، اگر در عصر شما ایران وطن عزیز مرا و خودتان دیدید به دانش و علم نورانی و مشعشع شده و قدم در راه و خاک آزادی گذاشتید یا در سایه علم و تمدن زندگانی نمودید از من بیچاره که یگانه آرزویم تمدن ایرانست یادی بنمایید. آیا ساعتی که من در قعر گور خوابیده‌ام شما ای ایرانی‌های بدبخت آزادید؟ با کمال سرفرازای قدم‌های شمرده شمرده می‌زنید؟ بخصوص خانم‌های بدبخت که مثل اسیر در خانه شوهر از ترس روزی زندگانی می‌کنند ... امیدوارم برحم و مروت خداوندگار که ترحمی در حق زن‌های ایرانی عموماً و بختیاری‌ها خصوصاً بنماید ...» (همان: ۸۴ و ۱۴۲-۱۴۳). عشق به وطن را سردار مریم به زیبایی در این توصیف‌ها به دغدغه‌های جنسیتی خویش پیوند می‌زند و امیدوار آینده‌ای متفاوت از زمانه خویش برای ایران و ایرانی و به‌ویژه زنان ایرانی است.

مریم بختیاری که در گفتمان خویش، به نقد گفتمان سنتی در مورد زن می‌پردازد و در این راستا مؤاخذه‌گر شدید این گفتمان است، در قبال همسری هیچ حس و تعلق را بروز نمی‌دهد و گاه نیز حتی از مرد تحمیل شده این ساختار غلط به خود با عنوان «حیوان» یاد می‌کند (همان: ۱۲۶) و تنها دلیل رضایت به این ازدواج تحمیلی را نداشتن «ارث از پدر» می‌داند (همان: ۱۱۱) زیرا که «طبیعت من قبول نمی‌کرد که آزادی خود را از دست بدهم و خود را در قید اسارت مردهای خوب دنیا در بیاورم تا چه رسد به این مرد که می‌بایست شوهر من باشد ... زیرا آنچه طبیعت عیوبات بد و صفات پست را برای تمام مخلوق کرده ارض آماده کرده، این یک نفر شخص دارا بود» (همان: ۱۱۲). وی در مسیر این نقد که حاصل تبعات زندگی پر رنج خود می‌باشد آرزومند است که «چقدر میل داشتم دارای یک قدرت فوق‌العاده باشم که بتوانم سنت‌های پوسیده ... را از بیخ و بن برکنم...» (همان: ۱۲۰). در کنار نقد گفتمان سنتی و تلاش عملی و فکری سردار مریم در به چالش کشیدن این

گفتمان، اما روایت وی دارای بیان عاطفی است. عطوفتی که همراه با احساسات و تخیلات پردازش شده قوی وی، گفتاری زنانه را شکل داده است که در متون مردان خاطره‌نگار این عصر دیده نشده است.

خاطرات بی‌بی‌مریم در ساختار روایی نیز به‌مانند خاطرات دیگر مردان هم‌عصر خویش عمل نمی‌کند. خاطراتی که اغلب گزارشی رسمی و خشک، همراه با روایتی یک دست است؛ اما اثر دختر حسینقلی‌خان بختیاری که بیشتر روح داستانی بر نثر آن حاکم است، با توصیف مرگ پدر راوی و ذکر بزرگی‌های شخصیت وی و نقد اوضاع مملکتی آغاز می‌گردد و پس از شرح پریشانی و آشفتگی ایجاد شده در خانواده، خواننده را با بازگشت به گذشته‌ای مهیج به دوران کودکی خویش و توصیف روزهای خوب سپری شده می‌برد و در مقایسه بین دو وضعیت به تصویر کشیده شده، مخاطب را همراه خویش تا انتها می‌کشد. نثری زیبا و ساده، اما پرسوز که حتی غلط‌های فاحش املائی آن نیز بیشتر از آن که نشان از ناتوانی درست نوشتن خاطره‌نگار را به ذهن متبادر کند، توانایی یک زن را که با کمترین دانش، با نوشتن خویش و نقد دقیق اوضاع سعی در اثبات وجود خویش در فرهنگ عینی زمانه دارد را اثبات می‌نماید.

انسجام، نظم و ترتیب بیان خاطرات و ذکر تاریخ دقیق اتفاقات مهم از ویژگی‌های دیگر این خاطره‌نگاری زنانه عصر قاجار است. خاطراتی که روایت‌گر آن، با نقد و به چالش کشیدن فرهنگ عینی زمانه، با گفتمانی متفاوت سعی در آگاهی‌بخشی به هم‌نوعان آینده خویش جهت شناخت از توانایی و حقوق خود دارد. توانایی و حقوقی که نه آنان را مثل مردان عصر وی کند، بلکه نمونه‌ای باشند مثل تمام زنانی که از دیدگاه وی در دیگر کشورها، بخصوص کشورهای اروپایی «در تمام اداره‌جات دولتی و ملتی مقام بزرگی را دارا می‌باشند» (همان: ۱۱۶). این توجه به زنانگی و توانایی‌های زن همراه با جزئی‌نگری، بیان احساسات و تصویرپردازی دقیق وقایع، همگی از توجه به هویت‌بخشی به گفتمان زنانه‌ای مایه می‌گیرد که سردار مریم آغاز کننده آن در بخش خاطره‌نگاری بوده است. خاطره‌نگاری که خود متأثر از فضای زمانه وی و تمایل عمومی جامعه در تغییر تمامی ساختارهای کهن و ضبط آن در تاریخ برای عبرت آیندگان صورت می‌پذیرفته است.

نتیجه‌گیری

نظریه گفتمان کاوی انتقادی فرکلاف، با دارا بودن مدل سه بعدی متن، پرکتیس گفتمانی و پرکتیس اجتماعی که وی هر سه بعد را در فهم اجتماعی از متن مهم می‌داند، جهت تحلیل خاطرات سردار مریم بختیاری؛ اولین خاطره‌نگار زن عصر قاجار برای پاسخ‌گویی به پرسش چگونگی بازنمایی نقش‌های جنسیتی در متن این اثر را به کار بسته‌ایم. نوشته بی‌بی‌مریم بختیاری، خاطرات یک زن در عصر قاجار و در زمان اوج تحولات مشروطه است. وی که تحت تأثیر فضای مذکور دست به نوشتن برده است، سعی دارد تا با شرح زندگانی خویش برای آیندگان، به نقد وضعیت زمانه زیسته در آن بپردازد و با به چالش کشیدن گفتمان سنتی جامعه و مورد تردید قرار دادن آن، ضمن ارزش‌گذاری به نقش‌های ویژه زنانه و کنش‌های جنسیتی، زنان را دارای توانایی و قابلیت حضور در عرصه عینی جامعه نیز بداند و راه رسیدن به این مقصد را آگاهی از حقوق انسانی خویش و الگوبرداری صحیح از زنان موفق دیگر کشورها تصور کند. راوی خود نیز در این مسیر هر چند تحت سلطه ساختار سنتی و مردسالار جامعه خویش است، اما گاه نقش‌های به ظاهر مردانه‌ای نیز مانند سرپرستی خانواده، حضور در فعالیت‌های سیاسی و نقد امور را بر عهده می‌گیرد و با توییح یک جانبه دیدن نقش‌های جنسیتی زنان از سوی جامعه سنتی، ضمن ارزش‌گذاری به کنش‌های جنسیتی زنان، با گفتار پر از احساسات زنانه سعی در تحریک مخاطب خویش در برساخت دنیایی متفاوت با زمانه خود را دارد. گفتاری که با شرح دقیق جزئیات و احساسات زنانه راوی، مخاطب را با لایه‌های درونی اندیشه وی همراه می‌کند. گفتار سردار مریم که تصویرگر قوی کردارهای مردانه وی نیز هست، این اثر را متعلق به فرهنگ عینی جامعه می‌کند. به گونه‌ای که این گفتار از متون میان‌گفتمانی خویش فراتر رفته و به خلق نوشته‌ای متفاوت دست زده است، متنی برخاسته از گفتمان نوین جامعه عصر سردار مریم که برخاسته از فضای مشروطه است و وی با ثبت خاطرات خویش در آفرینش آن به نوعی سهیم بوده است. شاید لقب سردار را در پیشوند اسم وی که حاکی از حضور پررنگ بی‌بی‌مریم در عرصه عینی جامعه باید دانست، به خوبی بازگو کننده موفقیت وی در نقد گفتمان سنتی در حوزه ذهنی و فضای خاطره‌نگاری و به چالش کشیدن آن با ورود به عرصه عمومی بتوان پنداشت.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- احمدی، بابک (۱۳۸۸)، *ساختار و تاویل متن*، تهران، نشر مرکز.
- بختیاری، سردار مریم (۱۳۸۲)، *خاطرات سردار مریم بختیاری*، ویراسته غلام‌عباس نوروزی بختیاری، تهران، آزان.
- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، *درآمدی بر تحلیل گفتمان: گفتمان و تحلیل گفتمانی*، گردآورنده محمدرضا تاجیک، تهران، فرهنگ گفتمان.
- تاج‌السلطنه (۱۳۶۱)، *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران.
- سرائی، لیلا (۱۳۹۴)، «مریم بختیاری»، *فرهنگ‌نامه زنان ایران و جهان*، ج ۱، تهران، ارتباط نوین.
- سردار بهادر، جعفرقلی خان (۱۳۷۸)، *خاطرات سردار اسعد بختیاری*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نی.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹)، *سفر دانه به گل: سیر تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۰ ق)*، تهران، نشر تاریخ ایران.
- عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا سالور (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروهی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- فیرحی، داود (۱۳۷۸)، *قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)*، تهران، نشر نی.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، *تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

- ون دایک، ای.تئون (۱۳۸۲)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: ازدستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یورگسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

مقاله‌ها

- آفاگل‌زاده، فردوس، غیاثیان مریم‌سادات، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *زبان و زبان‌شناسی*، ش ۱، ۱۳۸۶.
- جوادی، یگانه، محمدرضا، صفی، سیدمحمدعلی، «روایت زنانه از جنگ»، *فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی*، ش ۲۱، ۱۳۹۲.
- فتحی، سروش، سرایی، حسن، زارع، زهرا، «روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تأکید بر روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ش ۲، ۱۳۷۸.
- عاملی رضایی، مریم، مهرآیین، مصطفی، ایشانی، طاهره، افکار امیریون، پریسا، «تحلیل گفتمان خاطرات زنان عصر مشروطه و پهلوی»، *ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ش ۲، ۱۴۰۰.
- عباسی سمیه، «تحلیل ساختار روایت در خاطرات روزنگاشت قهرمان میرزا عین‌السلطنه»، *دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، ش ۲۶، ۱۳۹۹.

پایان‌نامه

- رضوی، فاطمه (۱۳۹۲)، *زنانه‌نویسی در عهد قاجار: سبک‌شناسی خاطرات منسوب به تاج‌السلطنه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.